

این یادداشت

مرتضی مجدفر

ویژه‌ی پدران و مادران است

نکته‌هایی درباره‌ی همراهی پدران و مادران با فرآیند تحصیلی فرزندان

اشاره

در دیدارهایی که با آموزگاران سراسر کشور داریم و نیز در اظهارنظرهای حاشیه‌ای نمایشگاه‌های مطبوعات، بسیاری از مخاطبان مجله، با اشاره به این که بهتر است در مجلات رشد مطالبی هم برای اولیا منتشر شود، می‌گویند پدران و مادران دانش‌آموزان آن‌ها در این ارتباط که چگونه فرزندان خودشان را در روزهای تحصیلی همراهی کنند، آگاهی‌های جامعی ندارند. آنان اغلب آن‌گونه عمل می‌کنند که از پدران و مادران خود آموخته‌اند. آن‌ها می‌گویند درست است که در سال‌های اخیر سطح سواد پدران و مادران جوان افزایش یافته است و علاقه‌مندی فراوانی از سوی آنان برای یادگرفتن به چشم می‌خورد، و بسیاری از سازمان‌ها و نهادهای آموزشی مانند فرهنگسراها، انجمن‌های اولیا و مربیان و... در صدد برآمده‌اند که آموزش‌های خاصی را در اختیار پدران و مادران علاقه‌مند قرار دهند، ولی آن‌چه در اکثر این آموزش‌ها به چشم می‌خورد، تأکید بیش از اندازه بر مفاهیم نظری و غیر کاربردی است که متأسفانه با واکنش‌های منفی اولیا روبه‌رو می‌شود. با در نظر گرفتن این نکته و برای پاسخ‌گویی به درخواست‌های آموزگاران محترم، در این شماره سعی کرده‌ایم در ارتباط با همراهی والدین با فرآیند تحصیلی فرزندان، نکاتی کلیدی ارائه دهیم. بدیهی است آموزگاران و مدیران محترم می‌توانند از این مطالب در دیدارهای خود با اولیا بهره ببرند.

کارها، اگرچه به ظاهر ساده هستند، ولی ممکن است بی‌خود و بی‌جهت حساسیت برخی از معلمان، به‌ویژه آن‌ها که از کاه، کوهی می‌سازند را برانگیزد. مثلاً ردوبدل کردن یادداشت در کلاس، ممکن است در مواقعی ضروری باشد، ولی معمولاً به قصد شیطنت و رساندن پیامی از سرشلوغی صورت می‌گیرد و مانعی است بر سر راه یادگیری داخل کلاس درس.

نکته‌ی ۶: شنونده‌ی خوبی باشید و حرف‌های فرزندان را به خوبی بشنوید و منتظر باشید هر از چندگاه یک‌بار، سر بزنگاه، شنودگی‌تان را کنترل و به شما یادآوری کند که فلان حرفش، در فلان تاریخ و در بهمان جا را شنیده‌اید و بی‌دلیل سرتان را به علامت شنیدن تکان داده‌اید. اگر شنونده‌ی خوبی باشید، می‌توانید از او هم بخواهید روش‌های خوب گوش کردن را یاد بگیرید و برای بهبود فرآیند درس خواندن خود به کار بگیرید.

نکته‌ی ۷: برخی وقت‌ها به بهانه‌های گوناگون، کتاب‌های درسی فرزندان را بگیرد

نباید از سوی دانش‌آموزان یک حق تلقی شود. اگر شما با مشاهده‌ی اندکی برف روی زمین، از فرزندان می‌خواهید امروز را به مدرسه نرود و غیبت کند، نباید از او انتظار داشته باشید فردی آبدیده و متکی به خود بار بیاید. قدری سختی کشیدن برای هر چیزی، از جمله درس خواندن ضروری است.

نکته‌ی ۴: هیچ‌وقت با ورقه‌های امتحانی فرزندان که در آن‌ها بازخورد مناسبی دیده نمی‌شود و یا نمره‌ی مطلوبی کسب نکرده است، قهرآمیز برخورد نکنید. اگر ورقه‌ای را که فرزند شما در آن مثبت ارزیابی نشده است، پاره کنید، هیچ‌گاه نخواهید توانست همراه با او و در روزهایی که در مسیر پیشرفت گام برمی‌دارد، به‌دست آمدن بازخورد یا نمره‌ی مذکور را بررسی و تحلیل کنید. بایگانی و نگهداری همه‌ی ورقه‌های امتحانی، اعم از ورقه‌های خوب و بد، حتماً بهتر از دور انداختن و پاره کردن است.

نکته‌ی ۵: به فرزندان بگویید برخی

نکته‌ی ۱: هیچ‌وقت در حضور فرزندان از سختی و غول‌بودن درس خاصی صحبت نکنید. این‌گونه تصورات، ناخودآگاه ذهنیت او را نسبت به برخی از درس‌ها تخریب می‌کند. در این صورت، دیگر نباید انتظار داشت با لذت و علاقه برای مطالعه‌ی درس مذکور وقت بگذارد.

نکته‌ی ۲: هیچ‌وقت اجازه ندهید تکالیف درسی تعیین‌شده از سوی مدرسه و معلمان، توسط فرزندان ناتمام رها شود. به او کمک کنید تکالیف مشخص شده را به اتمام برساند. منظور از کمک کردن، همراهی در انجام تکالیف نیست، بلکه اعمال نظارت بر کار اوست. اگر احساس می‌کنید تکالیف‌ها در حد توان او نیست و یا غیرهدف‌مند تعیین شده است، حتماً با اولیای مدرسه صحبت کنید.

نکته‌ی ۳: هیچ‌وقت به دلایل ساده، اجازه‌ی تأخیر در رفتن به مدرسه و یا حتی غیبت توسط فرزندان را صادر نکنید. تأخیر کردن و یا غیبت، جز در موارد اضطراری،

و در آن‌ها دنبال نکته و مطالب خاصی بگردید. بعد با آن‌ها وارد گفت‌وگو شوید و بخواهید کمی درباره‌ی درسی که فردا قرار است بخوانند، برای شما توضیح دهند. درس‌های «تاریخ»، «ادبیات فارسی»، «علوم اجتماعی» و «تعلیمات دینی» نمونه‌های خوبی برای تمرین این نکته است.

نکته‌ی ۸: بعضی وقت‌ها از خاطرات خود برای فرزندتان نمونه‌هایی را یادآوری کنید و اگر واقعاً خاطره ندارید، به خاطره‌سازی روی بیاورید. همان طور که قبلاً هم گفتیم، بچه‌ها معمولاً از روی مصداق‌ها بهتر یاد می‌گیرند. مثلاً اگر خاطره‌ای از دیر رفتنمان به کلاس یکی از دبیران ریاضی در دوره‌ی دبیرستان را تعریف کنیم و به فرزندمان بگوییم در همان چند دقیقه تأخیر ابتدای کلاس، آقای دبیر مسئله‌ی سختی را حل کرده و توضیح داده بود که قصد داشته همان سؤال را در آزمون نهایی برای متنبه کردن تأخیری‌ها در بین سؤالات امتحان قرار دهد. از قرار، همان سؤال با باری پنج نمره‌ای جزو سؤالات آزمون بوده است و شما صرفاً به دلیل چند دقیقه تأخیر، ۵ نمره‌ی مهم را از دست داده‌اید. مهم است که فرزندتان پی‌ببرد به موقع حاضر نشدن در کلاس، برای نتیجه گرفتن و موفقیت در یادگیری مشکل‌ساز خواهد بود.

نکته‌ی ۹: هیچ‌وقت به‌طور مستقیم درباره‌ی دوستان فرزندتان اظهار نظر منفی نکنید. به‌طور قطع گفتن این‌که: «پرو با کسانی که با تو درباره‌ی موفقیت صحبت می‌کنند، دوست شو و از آن‌ها کمک بگیر»، به اندازه‌ی کافی گریزانده است. دوستان خوب فرزندتان را بشناسید و از این دوستی‌ها، به منزله‌ی پلی برای توجه بیشتر به درس خواندن استفاده کنید

نکته‌ی ۱۰: هیچ‌وقت درباره‌ی جایی که در آن‌جا حضور ندارید، اظهار نظر نکنید. وقتی شما در کلاس درس فرزندتان حاضر نیستید و به راحتی هم امکان حضور در آن‌جا را ندارید، گفتن این‌که: «اگر در کلاس با آموزگار و دوستانت بحث و گفت‌وگو کنی، به نفع تو

خواهد بود»، شاید همیشه درست از آب در نیاید. این تذکر را به‌طور عملی و با اعمال و گفتار خود در سر سفره‌ی ناهار و شام به فرزندتان بیاموزید.

نکته‌ی ۱۱: دانش‌آموزان در برخی کلاس‌ها، اساساً فعال هستند و به خودی خود از آن‌ها کاری خواسته می‌شود؛ مانند آزمایشگاه، کارگاه، کلاس هنر، زنگ ورزش. ولی در بعضی کلاس‌ها، بچه‌ها فعالیت زیادی ندارند و به دلیل آن‌که معمولاً ارائه روش‌های تدریس در برخی مواقع سنتی است، نیمه‌فعال و یا حتی غیرفعال می‌شوند. این قبیل کلاس‌ها، سرآغازی برای افت در یادگیری است. راه‌های حضور در کلاس‌های نیمه‌فعال و غیرفعال را به فرزندتان بیاموزید. یکی از راه‌های غلبه بر خستگی در کلاس‌ها و درس‌هایی که دانش‌آموزان فعال نیستند (انشاء، ارائه‌ی کنفرانس، درس ریاضی و...)، یادداشت‌برداری از لحظه لحظه‌ی رویدادها، گفته‌ها و شنیده‌های کلاس است.

نکته‌ی ۱۲: به سؤالات متعدد فرزندتان پاسخ‌های مستدل و منطقی بدهید. از او پرسش‌های متعدد بپرسید و کمک کنید تا روش سؤال کردن در کلاس درس را بیاموزد. البته شاید لازم باشد خودتان هم روش‌های سؤال کردن را یاد بگیرید. گاهی ویژگی‌های شخصیتی والدین مانند کم‌رویی، خجالتی بودن و اهل گفت‌وگو نبودن به فرزندتان هم منتقل می‌شود. پرسش کردن از معلمان و هم‌کلاسی‌ها، روشی برای مقابله با کم‌رویی و کلیدی برای یادگیری بهتر است.

نکته‌ی ۱۳: به کارها و حرف‌های فرزندتان نخندید، ولی سعی کنید برخی مواقع با رعایت ادب و نزاکت، حرف‌هایی بزنید که موجبات خنده‌ی او را فراهم آورد. این کارها، او را آماده خواهد ساخت از دلک کلاس شدن و خنداندن دیگران و نیز خندیدن به دلک‌ها خودداری کند. خنده‌ی بجا، لازم و ضروری است. هم چنین با هم خندیدن، نه به هم‌دیگر خندیدن، از اصولی است که ما را در مسیر ارتباطی صحیح قرار می‌دهد.

نکته‌ی ۱۴: فرصتی جور کنید و داستان «عینک» رسول پرویزی^۱ را در جمع خانواده بخوانید. اگر فرزند شما از عینک استفاده می‌کند، باید به نوعی به او یادآوری کنید درس خواندن با عینک، برای بچه‌هایی که به توصیه‌ی پزشک معالج و براساس ویژگی‌های ساختمان چشم‌شان از این وسیله استفاده می‌کنند، ضروری است.

نکته‌ی ۱۵: به فرزندتان بگویید به ابتدا و انتهای صحبت‌های آموزگارش توجه بیشتری کند. معمولاً مهم‌ترین حرف‌های مربوط به هر درس در این لحظات بیان می‌شود. برای مثال هدف‌های اصلی هر درس و نیز تکالیف مربوط به جلسه‌ی آینده، از مواردی است که در ابتدا و انتهای کلاس ذکر می‌شود.

نکته‌ی ۱۶: هنگامی که با مشکلی مربوط به مدرسه روبه‌رو می‌شوید، رفتاری دوجانبه داشته باشید. به فرزندتان بگویید که شرایط را درک می‌کنید، اما انتظار دارید که او هم سعی کند سازگاری بیشتری با مدرسه داشته باشد. از سوی دیگر با برقراری ارتباط با مدیر مدرسه و یا مسئول مربوطه، موارد را با او در میان بگذارید و از ایشان بخواهید که راهی برای حل مشکل و ایجاد سازگاری دانش‌آموزان با آن پیدا کنند.

تمرین

پس از طرح این نکته‌ها با اولیای دانش‌آموزان خود، از آن‌ها بخواهید؛ (الف) هر یک از نکته‌های ۱۶ گانه را به‌طور مشترک و در جلسات خانوادگی به گفت‌وگو بگذارند و درباره‌ی تحقق هر یک بحث کنند. (ب) با جست‌وجو در منابع معتبر آموزشی، نکته‌ها را به ۲۰ مورد افزایش دهند.

پی‌نوشت

۱. رسول پرویزی، از داستان‌نویسان اجتماعی دهه‌های ۴۰ و ۵۰ شمسی است. او شیرازی بود و با رمان مشهور «شلوارهای وصله‌دار»، بسیار معروف شد. داستان عینک او، در سال‌های دور و نزدیک در کتاب‌های درسی فارسی دوره‌ی دبیرستان درج شده است و بسیاری از پدران و مادران امروزی، حتماً آن را خوانده‌اند.